

مواظ

ماپستراکهارت

بر اساس گزینش و برگردان انگلیسی کلود فیلد

ترجمه
جنی اعتمادی نیا



نشران سو

۱۳۹۷

سرشناسه: اکهارت، مایستر، ۹۱۲۶۰ - ۹۱۳۲۷ م. * Eckhart, Meister * عنوان و نام
 پدیدآور: مواظ مایستر اکهارت بر اساس گزینش و برگردان انگلیسی کلود فیلد/ترجمه مجتبی
 اعتمادی‌نیا. * مشخصات نشر: تهران: نشر آن سو، ۱۳۹۷. * مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۳۲۱-۷-۰۰ * وضعیت فهرست نویسی: فیبا * یادداشت: عنوان اصلی:
 Meister Eckhart's sermons, translated into English by Claud Field, M.A, 1932.
 موضوع: موعظه‌های لاتینی * موضوع: Sermons, Latin * شناسه افزوده: اعتمادی‌نیا،
 مجتبی، ۱۳۵۹ - مترجم * شناسه افزوده: فیلد، کلود، ۱۸۶۳ - ۱۹۴۱ م.، مترجم * شناسه افزوده:
 Field, Claud * رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۷ الف ۲/ف BV۵۰۸۰ * رده بندی دیویی: ۱۴۹/۳
 شما، * بشناسی ملی: ۵۴۱۲۴۹۱



مواظ

ما ماستر اکهارت

بر اساس گزینش و برگردان انگلیسی کلود فیلد

ترجمه

مجتبی اعتمادی‌نیا

امور هنری: آتلیه سا

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۳۲۱-۷-۰۰

چاپ اول: ۱۳۹۷ | شمارگان: ۵۰۰ نسخه | بها: ۲۳۰,۰۰۰

© ۱۳۹۷ حق نشر محفوظ و مخصوص نشر آن سو است.

بهره برداری و نقل قول بدون ذکر منبع به هر صورتی

بدون اجازه ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

www.ansoo.pub

ansoo.pub@gmail.com

فهرست

۱۳	پیش‌گزار مترجم فارسی
۲۳	پیش‌گزار مترجم انگلیسی [
۲۹	قدرت جواب خاوند
۳۹	نزدیکی مسوت خداوند
۴۹	تهنیت فرشتگان
۵۵	استماع راستین
۶۱	ارتباط خداوند با خویشان
۷۰	تَبَّئِل
۸۸	اخلاق ظاهری و باطنی
۱۰۰	نمایه
۱۰۴	واژه‌نامه

پیش‌گفتار مترجم فارسی

«ایستر اِکهارت» (۱۲۶۰-۱۳۲۷) که از او با عنوان «پدر تفکر المان» یاد می‌شود، راهب و واعظی از سنت دومینیکن^۱ ها و یکی از ژرف‌اندیش‌ترین الهی‌دانان مسیحی و نام‌آورترین عارفان قرون وسطی به شمار می‌رود. واسطهٔ کسب مقام استادی الهیات در دانشگاه پاریس، از او^۲ یاد شده است. مایستر اِکهارت یکی از تحول‌خواهان^۳ است که به رغم برخورداری از پیشینهٔ تربیت فلسفی و کلامی، فلسفهٔ انسانی و مساعی متکلمانۀ عالمان مسیحی قرون وسطی را که غالباً تحت تأثیر جدی آموزه‌های ارسطو

^۱ پیروان کشیش و راهب اسپانیایی، دومینکود گوزمان (۱۲۳۴-۱۲۰۰) که بر ضرورت بهره‌گیری از استدلال‌ات عقلی و فلسفی در تبلیغ و تفسیر مسیحیت رنیز مبارزه با بدعت‌های فکری و فرهنگی مسیحیان اصرار می‌ورزید و از این جهت تقابل با اندیشه‌های مدرسهٔ فکری فرانسیس آسیزی (۱۱۸۱-۱۲۲۹) که بر «ریختن دل» و «بسی زهد و عرفان تأکید می‌ورزید قرار گرفت. پیروان او با تأسیس شعبات مختلف مدارس دومینیکنی در اقصی نقاط اروپا به تبلیغ مسیحیت همراه با رویکردهای فلسفی و استدلالی اهتمام ورزیدند. کشیشان دومینیکنی بعدها در تشکیل دادگاه‌های نفتیان عقاید، نقشی مؤثر ایفا کردند. توماس آکوئینی، آلبرتوس کیبر و مایستر اِکهارت از مشاهیر و نام‌آوران این مدرسهٔ فکری به شمار می‌روند.

قرار داشت، در راستای آرمان اصلی مسیحیت که به زعم او وصال الهی و ادراک یگانگی و وحدت روح با خداوند است، به شمار نمی‌آورد و از این‌رو، از پسِ نظرگاهی عرفانی که وابستگی‌های بنیادینی با آموزه‌های نوافلاطونیان دارد، در پی درانداختن طرحی نو در فهم و تفسیر عمیق و راستین مسیحیت است.

بنیادی‌ترین آموزه الهیاتی و عرفانی اِکهارت، تأکید بر وحدت مطلق و فراموشی خداوند است که همه موجودات را به فَنای در خویشتن فرا می‌خواند. اِکهارت با تمایز نهادن میان وجه اطلاقِ خداوند (مقام ذاتی و مطلق آفرینشگری او، بر آن است که محدودیت‌های شناختی را، همواره مانع شناخت خداوند در وجه اطلاقِ اش خواهد بود. نظیراً، متانگارانه اِکهارت او را بر آن می‌دارد تا رسالت حقیقی او را تلافی برقراری اتصال و اتحاد میان وجه الهی خویشتن با الهی فراگیر در همه هستی به شمار آورد. اندیشه‌های عرفانی اِکهارت که در نهایت به تقابلی عقیدتی میان او و ارباب کلیسا منجر شد، به تدریج در متانگاران الهی‌دانان پس از او مؤثر افتاد. عمده‌ترین محمل این تأثیرگذاری، موعظان بود که غالباً در جمع زنان عارف و راهبه‌های کلیسا توسط اربابان ایراد می‌شد. در میان بیش از صد موعظه برجای مانده از اِکهارت، اثر پیش‌رو من سوم به موعظ دربردارنده هفت موعظه کوتاه ناظر به اصلی‌ترین رویکردهای تفسیری اِکهارت در مواجهه با کتاب مقدس و نشان‌دهنده دریافت‌های خاص و بعضاً مناقشه‌برانگیز او از مفاهیمی نظیر

«روح»، «خدا»، «آفرینش»، «مسیح» و «رستگاری» است. مواعظ به مثابه یکی از متون کلاسیک عرفان مسیحی در قرون وسطی و به دلیل گستره اثرگذاری‌های عمیق و نافذِ اِکهارت بر اندیشه‌های متفکران پس از خود، منبعی مهم و قابل اعتنا در الهیات مسیحی به شمار می‌رود. گستره نفوذ اندیشه‌های اِکهارت بر متفکران پس از خود به حدی بوده است که برخی از مشاهیر تفکر فلسفی در قرن بیستم نیز همچنان به اراده تعدد تحت تاثیر پاره‌ای از اندیشه‌های عرفانی او قرار داشته‌اند.^۱ در این منظر، آشنایی با اندیشه‌های اِکهارت می‌تواند به فهم و تحلیلی^۲ بیشتر برخی از اندیشه‌های فلسفی رایج در روزگار ما بینجامد. خطوط اساسی فکری، ویژگی‌ها و رویکردهای کلی حاکم بر مواعظ مندرج در این حجم به‌راستی تا حدودی انعکاس‌دهنده روح حاکم بر آموزه‌های عرفانی اِکهارت است، در موارد زیر می‌توان احصا نمود:

۱. تعالیم عرفانی و اخلاقی مواعظ در مواردی نه چندان اندک، وابسته به اصول اعتقادی مسیحیت به نحو عام و به این‌های اعتقادی کلیسای کاتولیک به نحو خاص است. این وابستگی نه به مواردی از

^۱ به عنوان نمونه، شواهد موجود در آثار مارتین هیدگر و نیز سوابق مطالعاتی وی نشان می‌دهد که او از رهگذر آشنایی با تفکر فیلسوفان قرون وسطی، از تفکرات دینی نصیح‌یافته در این دوره تاریخی به ویژه آنچه نزد مایستر اِکهارت وجود داشته، اطلاع گسترده‌تری داشته و در مواردی از آن تأثیر پذیرفته است.

^۲ این عنوان را زین پس تنها درباره مواعظ مندرج در اثر پیش‌رو به کار می‌بندم.

تساهل مشهور عارفان نیز فاصله می گیرد، امکان برقراری رابطه‌ای همدلانه و قابل فهم را از مخاطبان غیر مسیحی متن می ستاند. این ویژگی هنگامی که با برخی از آموزه‌های فکری سنت دومینیکن‌ها که اِکهارت یکی از واعظان و مبلغان آن به شمار می رود تقویت می شود، بیش از پیش از شکل گیری رابطه همدلانه پیش گفته در قبال مخاطبان غیر مسیحی متن می کاهد.

۲. م. حظ در مقایسه با سایر آثار اِکهارت از لحن مابعدالطبیعی دق‌بری، خوردار است و مباحثی با صبغه برجسته فلسفی، کمتر در آن چشم می آید. این وضعیت خود می تواند ناشی از ماهیت شفاهی مواعظ ریز نه مخاطبان اِکهارت باشد که اغلب راهبه‌های دیرها و صومعه‌ها بوده‌اند.

۳. به دلیل بیان شفاهی مواعظ، سبب اِکهارت و نگارش آن توسط شاگردان، امکان بروز تغییرات خواسته یا ناخواسته در متن و یا ثبت ناقص مضامین را باید همواره، نظر آورد. به عنوان نمونه، نقل قول‌های غیردقیق از کتاب مقدس اگرچه از حویلی می آیند ناشی از ماهیت شفاهی مواعظ و ضعف حافظه اِکهارت به شمار آید اما از سوی دیگر، نقش شاگردان را در ثبت غیردقیق این موارد نمی توان نادیده انگاشت.

۴. مواعظ پُر است از تفاسیر ذوق‌ورزانه اِکهارت از آیات کتاب مقدس. این تفاسیر ذوق‌ورزانه با آنکه اغلب اندیشه‌های طریقه‌ای جلوه می کند اما در مواردی ضوابط متعارف تفسیر و قراین لفظی و مقامی را به کلی فروگذار می نماید و از این حیث، به پاره‌ای از تفاسیر

ذوق‌ورزانه عارفان مسلمان از برخی آیات قرآن قرابت می‌یابد. نمونه‌ای برجسته از این ذوق‌ورزی‌های تفسیری نامنتطب با ضوابط متعارف تفسیر متون، در ابتدای موعظه پنجم با عنوان «ارتباط خداوند با خویشتن» قابل ملاحظه است.

۵. نوحی انحصارگرایی دینی که چه بسا ناشی از پیشینه فکری و دایره‌های متکلمانۀ اِکهارت باشد، در پاره‌ای از بخش‌ها قابل ملاحظه است. ایمان مسیح و باور قلبی نسبت به آموزه‌های مسیحیت، به ویژه نظر به تثلیث که در عین تعارض با اصل توحید، چالش‌های عمیقی بر سر راه برابرت تلانی آن وجود دارد، برات رستگاری و کمال انگاشته می‌شود.

۶. به زعم اِکهارت، جتل^۱ و عبادت است از فروگذاردن غیرحق و پیراستن آئینه دل از نقش اغیار، غایت اخلاق و سلوک مسیحیت به شمار می‌رود. بر این اساس، اخلاص^۲ بی‌کاملأ باطنی و صبغه‌ای عرفانی می‌یابد. موعظه ششم به تفصیل به این موضوع می‌پردازد.

۷. از منظر اِکهارت، تحمل رنج و محنت، ضرورت و پرهیز از همه اقسام لذاند جسمانی و افتخارات اینجهانی، مرکب راه رِ کمال و رستگاری به شمار می‌آید. توصیه به تحمل رنج و محنت، اجتناب از هر خوشی و آرامش و افتخار اینجهانی، گاهی آنچنان اهمیت می‌یابد که امری به غایت دلپذیر انگاشته می‌شود و شکلی آزارخواهان به

^۱ detachment^۲ masochistic

خود می‌گیرد. از این منظر، عشق و محنت، دو روی یک سکه‌اند؛ «هر چه اینجا [تن] در خواری عمیق‌تری خزیدن گیرد، روح بیشتر رو به سوی خدوند رفعت می‌یابد، چرا که عشق، محنت با خود به همراه می‌آورد و محنت، عشق به ارمغان می‌آورد».

۸. در مواعظ، عشق اینجهانی ناتمام و مطرود انگاشته می‌شود و اصولاً هر نوع وابستگی عاطفی به مخلوقات، سد راه پیشرفت معنوی به شایسته می‌آید و نسبت به آن تحذیر داده می‌شود. این رویه، ظاهراً خلاف ریحات متن مقدس مسیحیان و نیز رویه پاره‌ای از عارفان مسیحی در باب روزی به هموعان است.

۹. از منظر رهبانیت، همه مخلوقات پیوسته از توفیق همراهی و نگاهبانی خداوند بهره‌مند آرند و از این حیث، بالقوه واجد کمال انگاشته می‌شوند، اما در این میان، تا آنجا که انسانی که از این همراهی همیشگی آگاهی وجدانی می‌یابند، به بدگان برگزیده خداوند بدل می‌شوند. این برگزیدگی ناشی از ادراک وحدت باطنی خداوند با اشیاء است.

۱۰. نقش لطف و عنایت الهی را در کارکرد ساقیه ازل در رستگاری و کمال آدمی آنچنان در بخش‌هایی از سواعظ برجسته می‌نماید که گاهی تلاش‌های بشری در مقابل آن به گلی رنگ می‌آید. این اندیشه که نزد عارفان مسلمان نیز کم و بیش رواج دارد، ریشه‌ای است، به ناکارآمدی تلاش‌های خردورزانه در کشف حقیقت و وصول آن به مراتب متعالی کمال حکم می‌راند.